

در آمدی بر زبان شناسی تاریخی

نوشته: آنتونی آرلاتو، ترجمه یحیی مدرسی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ۳۸۲ص.

کتاب ترجمه‌ای است از:

Arlotto, Anthony. 1981. *Introduction to Historical Linguistics*.
2nd. edition, New York, University Press of America.

در زمینه مطالعات تاریخی زبان، در یک سده و نیم اخیر کتابهای بسیاری نوشته شده و قوانین و اصول و روشهای آن طی این دوره نسبتاً طولانی شکل گرفته است و با پیدایش شاخه‌های جدید و نظریه‌های تازه در علم زبان شناسی، دیدگاههای نو نیز در آن پدید آمده است. در دهه‌های اخیر، کتابهای باارزشی چون درآمدی بر زبان شناسی تاریخی و تطبیقی نوشته انتیلا (۱۹۷۲)، درآمدی بر زبان شناسی تاریخی نوشته لِمَن (۱۹۷۳)، زبان شناسی تاریخی نوشته بایتن (۱۹۸۶) و اصول زبان شناسی تاریخی نوشته هاگک (۱۹۸۸) انتشار یافته است که هر کدام در نوع خود از ارزشهایی برخوردار است. اما کتاب مورد بحث نخستین اثر مستقلی است که به زبان فارسی انتشار یافته است و این

اثر می‌تواند برای علاقه‌مندان، بویژه دانشجویان و آشنا کردن آنان با مفاهیم و اصول عمومی زبان‌شناسی سودمند باشد (یادداشت مترجم صص ۱۱ - ۱۳). پس از یادداشت مترجم، کتاب با پیشگفتاری از مؤلف آغاز می‌شود که در آن به لزوم وجود کتابی در زمینه زبان‌شناسی تاریخی اشاره و یادآوری شده است که کتاب حاضر با هدف یک منبع اصلی برای درس مقدمات زبان‌شناسی فراهم شده و امیدوار است برای کسانی که به مطالعات تاریخی زبانهای خاص یا *فقه اللغة تطبیقی* علاقه‌مند باشند، نیز سودمند باشد (پیشگفتار ص ۱۵). کتاب ۱۵ بخش و ۲ پیوست دارد. بخشهای پانزده گانه از گستره زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی آغاز و با بحث در زمینه‌های پژوهش عملی و فیلولوژی، دسته بندی وراثتی زبانها، خانواده‌های زبانی، دگرگونی صوتی، انواع دگرگونی‌های صوتی، بازسازی، خانواده زبان‌های هند و اروپایی، قیاس، دگرگونی دستوری، دگرگونی معنایی، قرض‌گیری زبانی، عوامل اجتماعی و روانی، دستور زایشی ادامه می‌یابد و آخرین مبحث کلی آن گفتگو در زمینه زبان و تاریخ است. پیوست شماره یک کتاب، اصول بنیادی آواشناسی است که در آن از واکه و همخوان و ملاحظاتی در باره واکه‌ها سخن رفته است. پیوست شماره دو، قاعده نویسی است که بیشتر جنبه فنی و علمی دارد. در پایان هر مبحث کتابنامه‌ای از آثار مربوط به زبان‌شناسی تاریخی ارائه شده است که برای خواننده علاقه‌مند و متخصص بسیار سودمند است. نگاهی به این کتابنامه‌ها نشان می‌دهد که نویسنده بیشتر به منابع انگلیسی و فرانسه مراجعه کرده و در سه چهارم مورد به منابع عمومی آلمانی نیز توجه داشته است. پس از فهرست منابع، اصطلاحات کتاب به ترتیب الفبایی دروازه نامه کتاب، به فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی، فهرست شده است. آخرین بخش کتاب فهرست نام کسان است که هر سه به وسیله مترجم فراهم شده و برای خوانندگان مفید است.

در یک نگاه کلی، روانی ترجمه، دقت در انتخاب برابره‌های فارسی و احتراز از نوشتن عبارتهای مبهم و معادل‌های نامأنوس به چشم می‌آید. زبان مترجم ساده و برای



فارسی زبانان قابل فهم است و به نظر می‌رسد که مترجم نیز همچون مؤلف، عموم افراد رادر نظر داشته و کوشیده است مطالب فنی و علمی را با زبان و عباراتی ساده و کوتاه بیان کند.

به طور کلی، می‌توان این کتاب را از سه بعد مورد بررسی قرار داد:

الف - نکاتی که مؤلف کتاب می‌بایست از دید زبان‌شناسی تطبیقی توجه می‌کرد.

ب - پاره‌ای ملاحظات در باره ترجمه کتاب

ج - نکات و اشاراتی که اگر در پانویست یا در بخش «منابعی برای مطالعه بیشتر» می‌آمد، برای دانشجویان زبان‌شناسی و فارسی زبانان سودمند می‌بود.

الف.

۱) ص ۱۱۵. واژه هند و اروپایی - nepot: در زبانهای لاتین nepot و nepos، فرانسه باستان neveu، انگلیسی باستان nefa، ژرمنی علیای باستان nevo، نورسی (ایسلندی) باستان nefe، یونانی nepodes سنسکریت napāt و اوستا - napāt با معنی‌های نوه، برادرزاده و خواهرزاده، نسل، نواده، ناف و فرزند به کار رفته است. همین واژه در انگلیسی میانه newew با همین معانی و در انگلیسی نو، الف: ۱- برادرزاده و خواهرزاده، ۲- پسربرادر شوهر و خواهر شوهر ب: ۱- فرزند نامشروع ۲- نوه و نسل، و در فارسی «نوه» آمده است و بعید به نظر می‌رسد در ایرلندی باستان، که زبانی هم عرض دیگر زبانهای باستانی مذکور در بالا است، معنی «نوه و نسل» را نداشته باشد.

۲) ص ۱۱۶ س ۴، مؤلف تحول واژه یونانی ambrotos «فنانا پذیر» را بدین گونه بیان می‌کند: این واژه از دو عنصر دارای ریشه هند و اروپایی تشکیل شده است که عبارتند از پیشوند نفی - a و ستاک - mrt به معنی «مرگ»... در این واژه mrt ستاک نیست، بلکه - mrtō است که صفت مفعولی است و همان طور که مؤلف در ص ۱۹۷ س ۱۶ ذکر کرده «از صورت درجه صفر ریشه» یعنی - mrt و «پسوند تکیه بر tō ساخته شده است و

معنی آن هم «مرده» است. این خطا در جدول ص ۱۶۷ نیز تکرار شده است. مؤلف همین پسوند *to* - صفت مفعولی ساز را در ص ۱۹۸ س ۱۳ *to*s - داده است که البته صورت صرفی این پسوند است نه خود پسوند.

(۳) ص ۱۵۴، در درخت زبان هند و اروپایی، زبانهای اوستایی و فارسی باستان که دو زبان باستانی و هم عرض سنسکریت هستند بازبانهای پشتو، آسی، کردی و فارسی که همه از زبانهای ایرانی نو هستند هم عرض قرار گرفته‌اند، حال آنکه خود مولف در ص ۱۴۸ س ۱۸ به تفاوت زمانی این زبانها توجه داشته است.

(۴) ص ۱۹۸ س ۱۴، *ois* - ریشه نیست بلکه ستاک آینده ریشه *pher* - به معنی «بردن» است. در موارد دیگر نیز مؤلف تمایزی بین ریشه و ستاک نگذاشته است، از آن جمله در ص ۳۱۴ س ۸ که *grano* - و *jeuo* - و *urughio* - و *bhares* - ستاک هستند و نه ریشه.

(۵) ص ۲۱۰، شناسهٔ دوم شخص زمان حال در اوستایی *hi* - است که باریشه *ah* - ادغام می‌شود و به صورت *ahi* در می‌آید. *ti* - شناسهٔ سوم شخص زمان حال است.

ب.

(۱) کاربرد غیر ضروری واژهٔ یک زیر تأثیر *a* انگلیسی مثلاً در صفحه‌های ۱۹، ۳۰ و ۲۰۷.

(۲) ص ۲۰ س ۴ و ۱۵ و ص ۲۱ س ۹، اصطلاح *Early New English* با توجه به تقسیمات دوره‌ای زبان انگلیسی به باستان، میانه و نو؛ بهتر است «انگلیسی نو آغازی» ترجمه شود نه انگلیسی آغازی نو.

(۳) ص ۳۱ س آخر و ص ۳۲، مطلب مورد بحث به سبب طولانی شدن جمله کمی نامفهوم شده است. این عبارت را می‌توان چنین ترجمه کرد: نظامهای الفبایی دیگری نیز با کاربردهای فراوان (*widespread usage* از ترجمه افتاده است) وجود دارد، مانند



سرپلی که نظام نوشتاری زبان روسی، زبانهای اسلاوی بسیار دیگر و زبانهای نامرتبب گوناگون - در محدوده جغرافیایی اتحاد شوروی، مانند زبان ترکی، ازبکی یا زبان ایرانی تاجیکی - است.

(۴) ص ۱۶۷، در ردیف شماره یک جدول، در متن انگلیسی برای ریشه *uid - دو معنی دانستن و دیدن (to know, to see) آمده است که در ترجمه فارسی معنی «دانستن» افتاده است، حال آنکه «دانستن» معنی اول و «دیدن» معنی دوم این ریشه است.

(۵) در ردیف آخر همین جدول، برای واژه *mno-s معنی «ذهن و مغز» داده شده است. این واژه که برابر انگلیسی آن در کتاب mind است، به معنی «ذهن و فکر» است. (۶) ص ۱۷۰ س ۴، «زمانها اصلی فعل ها...» در ترجمه انگلیسی principle parts آمده است. در اینجا منظور، ستاک یا ماده‌های مختلف یک ریشه است که برای ساختن زمان حال، گذشته و تام (گذشته نقلی) به کار می‌رود. این ساخت نه تنها در زبان یونانی، بلکه در زبانهای سنسکریت و اوستایی نیز کاربرد داشته است.

(۷) همان صفحه س ۱۵، مفهوم عبارت «مورد روشنی که از جایگزینی e و o برای ساختن اسم از افعال استفاده شده است» کاملاً روشن نیست. این عبارت را می‌توان چنین نیز ترجمه کرد: مورد روشنی که در آن با تغییر درجه واکه، از جانشینی e به جای o، برای ساختن اسم از فعل استفاده شده است.

(۸) همان صفحه س ۸، teg-ō از مصدر tegere به معنی «پوشاندن» است و teg-ō نیز اسم و به معنی «پوشش» است. ترجمه «من می‌خوانم» درست نیست.

(۹) ص ۱۹۷ س ۴، «صورت‌های مجهول اسم مفعول...» در ترجمه انگلیسی passive participle آمده است که برابر فارسی آن صفت مفعولی است. این مورد در همین صفحه و در صفحه‌های ۱۹۵ و ۱۹۸ به صورت اسم مفعول تکرار شده است.

(۱۰) ص ۲۰۵ س ۱۵، در جمله «گاه به گاه ادعا می‌شود که یکی از زبان‌های موجود فاقد چنین روابطی است...» منظور از «یکی از زبان‌های موجود» روشن نیست. این جمله

را می‌توان به شکل زیر نیز ترجمه کرد: گاهی ادعا می‌شود که زبانی (some language) فاقد چنین روابطی است.

(۱۱) ص ۲۱۲ س ۱۸، با توجه به ساختمان فعل aorist (گذشته بی مرز، گذشته ساده) در زبانهای هند و اروپایی (سنسکریت، یونانی، اوستایی و...) که نوعی از آن با افزودن نشانه -s- به ریشه ساخته می‌شود، و با توجه به متن انگلیسی

«This is easily found since there is already reconstructed on solid evidence a preterite marked by an -*s- which is preserved in Greek and other languages.»

برگردان فارسی «این معادل بسادگی پیدا می‌شود زیرا هم اکنون یک نشانهٔ زمان گذشته که با -s- مشخص گردیده، بر پایهٔ شواهد محکم بازسازی شده و در یونانی و در زبان‌های دیگر نیز حفظ گردیده است.» روشن نیست. عبارت را می‌توان چنین برگرداند: این معادل بسادگی پیدا می‌شود زیرا از پیش، بر پایهٔ شواهد محکم، زمان گذشته‌ای با نشانهٔ -s- ساخته شده است که در یونانی و زبانهای دیگر نیز حفظ شده است.

(۱۲) ص ۲۶۸ س ۲۰، عبارت «... بردن نام یک شیء ممکن است سبب برخوردن به کسی شود.» را می‌توان بدین صورت ترجمه کرد: نام بردن از یک شیء ممکن است سبب اهانت به کسی شود.

(۱۳) ص ۳۱۵ س ۲، عبارت «... (از ریشهٔ -dem، مشتق از واژهٔ -dom* با تغییر واکهٔ o به e و -pot* به معنی «قدرت، توانا بودن»)» مقصود مؤلف را بخوبی روشن نمی‌سازد، با توجه به عبارت انگلیسی

«from roots *dem-, e-grade of *dom-, and *pot- to be able/ power»

می‌توان عبارت را چنین ترجمه کرد: از ریشهٔ -dem*، درجهٔ e ریشهٔ -dom*، و ریشهٔ -pot* به معنی «قدرت / توانا بودن».

(۱۴) پاره‌ای موارد در ترجمه نیز بین ریشه و ستاک (مثلاً ص ۱۹۹ زیرنویس: ریشهٔ



wend که ستاک است و ص ۲۰۶ س ۷: ریشه marcell که ستاک است) و پایانه حالت و شناسه فعل (مثلاً ص ۲۰۸ س ۱۵: مطابقت شناسه‌ها که پایانه‌های حالت است و ص ۲۱۸ س ۱۹: پسوند -۲ در برخی افعال که شناسه فعلی است) تمایزی گذاشته نشده است.

ج.

گرچه روال براین است که مترجم به ترجمه متن می‌پردازد، اما در کتابهای علمی، بویژه در کتابهایی که مبنای آنها بر تطبیق و مقایسه است، افزودن پانویسها و یا ارجاع به منابع مربوط، خواننده را نسبت به مسائل طرح شده و نیز دریافت شباهتها آگاهتر می‌سازد و بهره بیشتری بدو می‌رساند. در این کتاب توجه به صورتهای باستانی زبانهای ایرانی و آوردن موارد تشابه بسیار سودمند بود، بویژه که مترجم خود یکی از دلایل گزینش این اثر را برای ترجمه، ارجاع مؤلف به زبانهای ایرانی، ذکر کرده است.

۱- ص ۱۱۵، واژه *nepot هندواروپایی، که در اوستا -napāt است، همان‌طور که گفته شد به شکل «نوه» به فارسی رسیده است.

۲- همین صفحه، واژه *tepent-s هندواروپایی، در اوستا از ریشه -tap به معنی «گرم شدن» است. صورتهای تب، تاب، تفت، تفته، تفتن و... در فارسی از همین ریشه است.

۳- ص ۱۷۰ س ۷ و ۸، زبانهای باستانی دو دسته شناسه فعلی؛ یکی برای ریشه‌های گذرا و یکی برای ریشه‌های ناگذر دارند. در یونانی نیز ریشه -peith «باورداشتن» شناسه ناگذر و ریشه -leip «ترک کردن»، شناسه گذرا گرفته است. از این روست که در زبان یونانی نیز با توجه به ریشه، دو نوع شناسه متفاوت به کار رفته است.

۴- ص ۱۷۵، ریشه -dhē هندواروپایی به معنی قراردادن، هم‌ریشه -dā اوستایی است که در فارسی میانه و فارسی با پیشوند ni «نهادن» شده است.

۵) همین صفحه، ریشه -es هند و اروپایی متأخر به معنی «بودن»، هم‌ریشه -ah

اوستایی است، که هستم، هستی، هست و ... از مشتقات همین ریشه است. (۶ صص ۱۸۲ - ۱۸۳، روند تحول پایانه جمع در زبان انگلیسی، مانند همان روندی است که در فارسی نیز دیده می‌شود. ان (نشانه جمع فارسی) بازمانده *anām* - (پایانه وابستگی جمع) است که شاید به سبب کاربرد بیشتر، جانشین بقیه پایانه‌های جمع نیز شده است.

(۷ ص ۱۹۹ زیرنویس، در فارسی نیز فعلهای دوریشه‌ای وجود دارد. از آن جمله است: فعل «آمدن» که صورتهای زمان گذشته آن از ریشه *gam* - و صورتهای زمان حال آن از ریشه *ay* - است؛ یا فعل «دیدن» که صورتهای زمان گذشته از ریشه *dā(y)* - و صورتهای زمان حال از ریشه *vay* - و *vaēna* - است.

(۸ در مبحثهای: انواع دگرگونی‌های صوتی (ص ۱۱۳) «دگرگونی دستوری» (ص ۲۰۳) «دگرگونی معنایی» (ص ۲۲۳)، بویژه در بخش پیدایش، منسوخ شدن، گسترش معنایی، کاهش معنایی و تغییر مدلول و نیز «عوامل اجتماعی و روانی» (ص ۲۶۳)، بخصوص تابو و اعتبار، ارجاع به کتابهای: تحول معنی واژه در زبان فارسی از دکتر ابوالقاسمی، تاریخ زبان فارسی، زبان‌شناسی و زبان فارسی از دکتر خانلری سودمند است.

در مجموع، کتاب هم از جهت تنوع مباحث و هم از نظر دقت و صحتی که در ترجمه آن به کار رفته، اثری ارزشمند است و نیاز دانشجویان و فارسی‌زبانان را بخوبی برآورده می‌سازد.

کتاب بدون غلط چاپی انتشار یافته و کوشش مترجم و ناظر چاپ ستودنی است.

مهشید میرفخرایی